



بنیاد
شهید
و امور
ایثارگران
۱۳۵۸ استان زنجان

همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت

دانشگاه زنجان

سوم خرداد ۱۳۸۹



دانشگاه زنجان

عوامل رشد و انحطاط فرهنگ ایثار و شهادت با تاکید بر قرآن و سنت

محمودت‌نہا *

عباس اشرفی **

چکیده

ایثار و شهادت، مفاهیمی ارزشمند در همه‌ی جوامع بشری هستند. همه‌ی ملت‌ها به فداکاران، جانبازان و سلحشوران خود به دیده احترام می‌نگرند؛ لیکن شیوه‌های این تقدس‌گرایی و احترام متفاوت است. درآموزه‌های اسلامی، جوهره فرهنگ ایثار و شهادت از خودگذشتگی، اخلاص و آزادمشی هوشمندانه و هدفمند است. ترویج و اشاعه‌ی فرهنگ ایثار و شهادت، آثار بسیار مثبت اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی را در بر دارد. این مقاله، عواملی که موجب رشد و انحطاط فرهنگ ایثار و شهادت بوده را با تاکید بر قرآن و روایت جستجو کرده و هر یک از عوامل رشد و انحطاط را مورد بررسی قرار داده است.

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

آن گاه پس از بیان عوامل ، راهکارهایی را اشاره می کند که اعتقاد به آن ، این فرهنگ را پویاتر خواهد نمود و تأثیر بسزایی در جامعه ، خصوصاً نسل جوان خواهد داشت.

کلید واژگان: فرهنگ ایثار و شهادت ، عوامل رشد ، عوامل انحطاط ، قرآن ، سنت

۱- پیش درآمد:

فرهنگ ایثار و شهادت ، مجموعه دستاوردهای نظری و فکری است که قابلیت اکتساب داشته و بر اساس موازین الهی و از طریق همسان کردن رفتارها و ارزش ها و هنجارها در جامعه موجب انسجام یک جامعه ولایی می شود و نیز به سبب نوع نگرش ، بستری از کمال و حرکت به سوی قرب الهی را برای افراد مهیا می سازد . این امر ، جامعه ولایی را از جوامع دیگر متمایز می سازد ؛ به تعبیر دیگر فرهنگ ایثار و شهادت ارزش هایی را مطرح و نهادینه می سازد که در آن افراد یک جامعه به منظور تحقق خواست ها و اهداف الهی خود بر اساس ارزش های الهی حاضر به جان فشانی و حضور در صحنه های مجاهده می شوند.

دوران هشت سال دفاع مقدس ، به عنوان نقطه عطفی در نمایاندن توان ، شجاعت و استعداد بی نظیر جوانمردان و غیرتمندان ایران زمین به شمار می رود ؛ در این دوران جامعه توانست با اتکای بر آموزه های دینی در این آزمون الهی ، پیروزمند ظاهر شود. دستاوردهای دیرین تاریخ ، مبین این واقعیت است که ایثار و شهادت به عنوان کارآمدترین عنصر فرهنگی در تأثیر بر فرآیندها و پدیده های اجتماعی تلقی می شود . اعتلای فکری و معنوی جامعه منوط به مؤلفه هایی است که در ساختار جامعه ، ترسیم و جهت یابی می شوند و در راستای این هدف ، تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر حرکت و پویایی ، آزادی و آزادگی ، تعهد و مسؤولیت و حتی ارزش های ملی و مذهبی بسیار بارز و برجسته است.

هدف از ترویج فرهنگ ایثار و شهادت ، فروزان نگه داشتن این چراغ رهایی بخش ، برای هر زمانی است که دشمنان خیره سر ، قصد و آهنگ نابودی دین و ایمان و تعرض به

میهن و ناموس نمایند؛ و لیکن لازمه‌ی تحقّق این هدف مهم، ترویج و گسترش سیره و روش زندگی رهایی بخش شهدا و ایثارگران است. چنان چه واقعیت و زیبایی درونی و ظاهری فرهنگ ایثار و شهادت با شیوه‌هایی اثربخش برای عامه مردم به ویژه نسل جوان به تصویر کشیده شود و در عمق وجود آنانی که، ایثار و شهادت را تجربه نکرده اند، ریشه دواند، می‌توان شاهد الگوپذیری هرچه بیشتر از این گنجینه گران مایه بود. این مقاله برآن است تا با توجّه به آیات و روایات، به این سؤالات پاسخ دهد: عوامل ارتقای فرهنگ ایثار و شهادت کدامند؟ عوامل کاهنده در فرهنگ ایثارگری و شهادت طلبی چه می‌باشد؟ ما در بررسی عوامل رشد و ارتقاء فرهنگ ایثار و شهادت به روش استقرایی «روش استقرایی: شیوه‌ای است که در آن بسیاری از قواعد کلی و قابل تعمیم، از جزء به کل است». (صفوی، امان‌الله، ۱۳۷۰، ص ۳۰۶-۳۰۵) عمل نموده ایم. این مقاله با روش استقرایی به استخراج عوامل رشد و عوامل انحطاط این فرهنگ پرداخته است.

۲- معناسازی واژگان:

۲-۱. **واژه ایثار:** از ریشه ی «أثر» و باب «افعال» است. و به معنای بذل و گذشت کردن از حق خود برای دیگران، نفع دیگری یا دیگران را به خود ترجیح دادن است. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱ ص ۶۷۵) در ایثار، خیرخواهی نهفته است؛ به همین دلیل مقابل خودخواهی است. میل به فایده‌رسانی و خدمت به دیگران، جلوه‌ای از میل به حق است. رفتاری که از این محرک برمی‌خیزد، به قصد تقرّب و در جهت کمک و خدمت به دیگران، همراه با از دست دادن نعمت، فرصت، عمر و امثال آن است. (فارسی، ۱۳۷۴، ج ۱ ص ۱۷۸) هم چنین، ایثار، از خود گذشتگی و مقدّم داشتن دیگران بر خود، از ارزش‌های متعالی اسلامی است. (دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۵ ص ۵۴۳) بنابراین حقیقت

ایشار یعنی برتری بخشیدن و مقدم داشتن آن چیزی که فضیلت دارد، است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۳۲)

۲-۲. واژه ی شهادت: از ریشه «شَهِدَ» به معنای حضور، مشاهده، معاینه ی ادراک، گواهی و خبر قاطع است. («فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ... بقره: ۱۸۵») (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳ ص ۲۴۳).

شهید به کسی گفته می شود که ناظر و شاهد بر اشیاء است. به عبارت دیگر شهید کسی است که شخصی یا چیزی را مشاهده می کند و هم برای کسی یا چیزی و هم علیه آن شهادت می دهد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵ ص ۲۶۸) و به عبارتی دیگر؛ شهید کسی است که در گواهی دادن امین است. در این معنا بیشتر به صورت مشاهده استفاده می شود، شهید کسی است که در راه خدا کشته شده است (الحسینی الزبیدی، ۱۳۸۵، ج ۸ ص ۲۶۱).

در برخی از آیات قرآن کریم، کلمه شهید به معنی «یعنی کشته شده ی در راه خدا» است مانند:

"وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا" (نساء/۶۹)

بنابراین معنای واژه ی شهید، از معنای کشته شده ی در راه خدا فراتر می رود و هر کسی که به مقام شهود حقیقت می رسد و به یگانگی و حقایق خداوند شهادت می دهد. شهید است اگر چه در جهاد کشته نشود و با مرگ طبیعی از دنیا برود. (کرمانی، ۱۳۸۱ ص ۱۲)

۲-۳. فرهنگ: واژه ی فرهنگ از دو جزء ترکیب شده است (فر) و (هنگ). «فر» به دو معنی است: اگر به عنوان یک واژه ی مستقل باشد به معنی نیروی معنوی، شکوه، عظمت

، درخشندگی و جلال است ولی اگر به عنوان یک پسونند باشد ، در این صورت به معنی جلو ، بالا ، و پیش و بیرون است.

«فر» در ترکیب کلمه فرهنگ ، پیشوند (هنگ) از ریشه اوستایی (تنگk thang) به معنای کشیدن و فرهیختن (ادب آموختن) می باشد. هم چنین به معنی فرهنگ است، که همان علم و دانش و ادب است. (تبریزی ۱۳۶۲، ج ۳ ص ۱۴۱۸) واژه فرهنگ علاوه بر علم و دانش ، معرفت ، ادب، تعلیم و تربیت ، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت است. (عمید، ۱۳۶۵، ج ۳ ص ۱۸۳۷)

فرهنگ خاص انسان است و این نکته که تنها انسان دارای فرهنگ است ، مورد تأیید همگان است . با این نگاه ، « فرهنگ مجموع روش ها ، آداب و رسوم ، ارزش های یک اجتماع معین که متضمن نظام اقتصادی اجتماعی ، ساخت سیاسی ، علم ، دین ، تربیت ، هنر و سرگرمی هاست.» (مشیری، ۱۳۶۹ ص ۷۶۶).

۳- عوامل رشد:

علاوه بر این که در آموزه های دینی تلاش می گردد تا ریشه ها و موانع ایثار و شهادت را خشکانده ، و به جای آن حُبّ الهی و ایمان و اعتقاد به خدا و روز رستاخیز ، جایگزین گردد ، عواملی وجود دارند که بستر را برای ایثار و از خود گذشتگی فراهم می سازد. این عوامل عمدتاً اعتقادی یا فرهنگی می باشند.

۳-۱- اعتقادی:

۳-۱-۱- اصل قداست عدالت و تنفر از ستم

در تعالیم قرآن و سنت ، عدالت امر مقدّسی است و ظلم و ستم از امور چیز زشت و ناخوشایند. این آموزه ها و تعالیم به گونه ای است که اگر عدالت (آرمان نهایی همه ی انبیاء) به خطر افتد و ظلم و ستم جایگزین آن شود ، احساسات فطری و پاک انسان ها ،

علیه ظلم و به نفع عدالت برخاسته خواهد شد. (ربیع نتاج ، ۱۳۸۶ص ۱۰۰) برای اثبات مدعا نمونه هایی از این آموزه ها بیان می شود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند) «حدید/۲۵» از این آیه استفاده می شود که هدف از ارسال پیامبران و انزال کتاب های آسمانی، اقامه عدل و قسط

به وسیله ی مردم است. در آیه ی دیگر ، خداوند ما را به اجرای عدالت و احسان به بندگان دستور داده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَنِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید!) «نحل / ۹۰»

۳-۱-۲- اصل وجوب دفاع و وجوب جهاد با ظالمان

در نظام پرورشی مبتنی بر فرهنگ اسلام که هدف غایی خلقت انسان ، عبادت و نیل به مقام عبودیت (به استناد آیه : «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ذاریات / ۵۶) است ، ایثار و جهاد و شهادت دارای جایگاه رفیع و قابل تأمل است. (باقری ، ۱۳۶۸، ص ۶۴)

جهاد با دشمن ، یکی از فروع دین مقدس اسلام است و با فرمان امام ۷ واجب می شود و زمانی که بلاد مسلمین یا مرزهای آن مورد هجوم قرار گیرد ، بر مسلمانان ، واجب است که از آن به هر وسیله ای که ممکن است با بذل جان و مال خویش دفاع نمایند. این دفاع مشروط به اذن امام معصوم ۷ یا نایب خاص و عام او نیست. (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۳۲۷) در قرآن مجید بارها فرمان جهاد و مقاتله با دشمن صادر شده است.

۳-۱-۳- اصل ارزش دادن به شهید و شهادت

علاوه بر مطالب ذکر شده که حسّ ایثار و از خود گذشتگی را در انسان تقویت می کند، باور داشتن امور ذیل که در ارزش شهید و شهادت است، انسان را مشتاق کشته شدن در راه خدا می سازد و آن را همانند اولیای الهی در دعای خویش از خدا می طلبد. چرا که:

شهیدان زنده و غرق در نعمت خدایند.

ابن مسعود از پیامبر اکرم ۶ نقل می کند که خداوند به ارواح شهیدان احد خطاب کرد و از آن‌ها پرسید: چه آرزویی دارید؟ آن‌ها گفتند: پروردگارا! ما بالاتر از این چه آرزویی می توانیم داشته باشیم، که غرق نعمت‌های جاویدان توایم و در سایه عرش تو مسکن داریم، تنها تقاضای ما این است که بار دیگر به جهان برگردیم و مجدداً در راه تو شهید شویم، خداوند فرمود: فرمان تخلف ناپذیر من این است که کسی دوباره به دنیا بازنگردد، عرض کردند: حالا که چنین است تقاضای ما این است که سلام ما را به پیامبر ۶ برسانی و به بازماندگان مان، حال ما را بگویی و از وضع ما به آن‌ها بشارت دهی که هیچ گونه نگران نباشند در این هنگام آیات ذیل نازل شد (سیوطی، ۱۴۰۴ه، ج ۲: ۹۶)

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»

امام علی بن موسی الرضا ۷ از امیر مؤمنان علی ۷ چنین نقل می کند که هنگامی که حضرت، مشغول خطبه بود و مردم را تشویق به جهاد می کرد، جوانی برخاست و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! فضیلت جنگ جوانان در راه خدا را برای من تشریح کن امام در پاسخ فرمود: من بر مرکب پیغمبر ۶ و پشت سر آن حضرت سوار بودم و از غزوه ذات

السَّلاسل برمی گشتیم همین سؤالی را که تو از من نمودی من از پیامبر ۶ کردم. پیامبر ۶ فرمود: هنگامی که جنگ جویان، تصمیم بر شرکت در میدان جهاد می گیرند خداوند آزادی از آتش دوزخ را برای آنها مقرر می دارد. و هنگامی که سلاح بر می دارند و آماده میدان می شوند فرشتگان به وجود آنها افتخار می کنند. و هنگامی که همسر و فرزند و بستگان آنها با آنها خداحافظی می کنند، از گناهان خود خارج می شوند. از این موقع آنها هیچ کاری نمی کنند مگر این که پاداش آن، مضاعف می گردد و در برابر هر روز پاداش عبادت هزار عابد برای آنها نوشته می شود ...

و هنگامی که با دشمنان روبرو می شوند، مردم جهان، نمی توانند میزان ثواب آنها را درک کنند. و هنگامی که گام به میدان برای نبرد بگذارند و نیزه‌ها و تیرها ردّ و بدل شود، و جنگ تن به تن شروع گردد، فرشتگان با پر و بال خود اطراف آنها را می گیرند و از خدا تقاضا می کنند که در میدان، ثابت قدم باشند، در این هنگام منادی صدا می زند: «الجنة تحت ظلال السیوف» «بهشت در سایه شمشیرها است» در این هنگام ضربات دشمن بر پیکر شهید، ساده تر و گواراتر از نوشیدن آب خنک در روز گرم تابستان است. و هنگامی که شهید از مرکب فرو می غلطد، هنوز به زمین نرسیده، حوریان بهشتی به استقبال او می شتابند و نعمت- های بزرگ معنوی و مادی که خدا برای او فراهم ساخته است، برای او شرح می دهند. و هنگامی که شهید به روی زمین قرار می گیرد، زمین می گوید: آفرین بر روح پاکیزه‌ای که از بدن پاکیزه پرواز می کند، بشارت باد بر تو: «انّ لک ما لا عین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر» (نعمت هایی در انتظار تو است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است) و خداوند می فرماید: من سرپرست بازماندگان اویم، هر کس آن‌ها را خشنود کند مرا

خشنود کرده است و هر کس آن‌ها را به خشم آورد مرا به خشم آورده است .
(ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵ ص ۱۵۸)

۲-۳- فرهنگي

۱-۲-۳- نمايه سازي وصايات شهدا

وصيت نامه از سنت هاي مؤكّد در فرهنگ اسلامي ماست و در جريان دفاع مقدس وصيت نامه ها از عرف عادي خارج شده و تغييرات محتوايي يافتند . به طوري كه رزمندگان اسلام در وصيت نامه هاي خود به اعتقادات و آرمان ها ، ارزش ها و انگيزه هاي و مسائل مهم اجتماعي و سياسي و ديني توجه مي نمودند .

وصيت نامه از جمله آثار به جاي مانده از شهداي انقلاب اسلامي است كه در نوع خود بي نظير و حاوي اطلاعات بسيار ارزشمندی بوده است. يكي از مسائل بسيار مهمي كه در خصوص اين آثار بايد مورد توجه قرار گيرد مسئله دسترسي و اشاعه اطلاعات آن‌ها در سطح وسيع است كه اين دسترسي با توجه به انبوه اطلاعات و مدارك جز از طريق نمايه سازي ميسر نخواهد بود . نمايه سازي فرآيند تعيين و توصيف محتوايي مدرك در قالب كليد واژه هاي موضوعي متناسب و مرتبط است به نحوي كه كليد واژه ها بيان كننده محتوا و موضوع مدرك باشند. در اين فرآيند مفاهيم از مدرك استخراج شده و در قالب عناصر زبان نمايه سازي ارائه گردد .

۲-۲-۳- موزه شهدا

موزه در حقيقت بازتاب كليّه فعاليت هاي انسان از محيط طبيعي و فرهنگي اوست . در همه تمدن ها از عقب افتاده ترين تا پيشرفته ترين آن ها ، اشياء ، مواد ، نمونه هاي زيبا ، گران بها ، كمياب و عجيب را جمع آوري مي نمايند . هم چنين ميراث هاي فرهنگي و ذخاير طبيعي در محلي انباشته و جهت استفاده ي عموم مهيا مي گردند . نقش حياتي موزه

در جوامع بشری، نقشی بدیع، ماندگار و مروج ناب ترین پدیده های فرهنگی است. موزه ها از معدود مراکز حافظ یادگاران نسل گذشته و در حقیقت فرزندان هنر و تاریخ هستند. هر یک از اشیاء در عین بی زبانی به هزار زبان سخن می گویند زیرا اسناد معتبری از هنر، فرهنگ و تاریخ را ارائه می دهند. (پهلوان، ۱۳۸۷ ص ۷) خداوند در قرآن درباره ی اهمّیت زنده نگه داشتن یاد اصحاب کهف چنین می فرماید: «وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَن وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ يَنْهَيهِمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» (این چنین مردم را متوجه حال آن ها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره ی کار خویش نزاع داشتند، گروهی می گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آن ها سخن نگوید که پروردگارشان از وضع آن ها آگاه تر است!» ولی آن ها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آن ها می سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).» (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۵ ص ۳۲۳)

یک موزه با مجموعه ای که در خود اندوخته است بیش از هر چیز مبین گذشته «دفاع مقدس» است.

آثار به جای مانده از شهدا، آثاری واجد ارزش های تاریخی و فرهنگی و وجود یک رابطه خویشاوندی و هویتی ما بین هر چیزی با دوره ای خاص از تاریخ یک ملت یا تمدن که به نوعی روایت گر کیفیت بخشی از آن عهد، چگونگی زندگی، رویدادی خاص، نوعی تفکر و در مجموع، ساختارهای تاریخی و فرهنگی و اجتماعی یک دوران برخوردار کرد. مصداق کلیت های فوق در آثار و اشیاء بر جای مانده از ایام انقلاب، سالیان دفاع مقدس و در رأس آن میراث شهداء نیز قابل بحث و بررسی است.

در واقع هویت و شخصیت این آثار مرهون وابستگی آنان به زمانی است که در آن ، مکانی ویژه برای فردی خاص ، رویدای منحصر به فرد رخ داده است و آن مفهوم شهادت و یا عروج است . این آثار با توجه به ارزش سندی خود و متصل به اشخاص و مکان ها و لحظاتی که بخش مهمی از تاریخ یک ملت رقم زده اند دارای هویت گردیده ، از شکل «جنس» به یک «اثر» تبدیل می شود.

موزه ی شهداء می تواند یکی از گنجینه های ارزشمندی باشد تا به وسیله آن به تداوم و استمرار یاد و نام شهیدان پرداخت .

۳-۲-۳- تقویت فعالیت های فرهنگی مساجد.

مساجد از بدو تأسیس علاوه بر این که جایگاه عبادت و محل ادای فرائض دینی مسلمانان بود، به عنوان یک کانون فراگیر ، مرکز تمام فعالیت های آموزشی ، سیاسی و اجتماعی آنان نیز به شمار می آمد. اما هیچ یک از معابد موجود آن زمان از چنین عملکردهایی برخوردار نبود . اسلام بر حضور مسلمانان در مسجد و مشارکت در امور تأکید فراوانی دارد. و آیات قرآن و احادیث منقول در دین بیانگر وجود رابطه بین حضور در مسجد و روحیه ایثارگری و شهادت طلبی و گرایش به ارزش های اسلامی است. هر امری که خالص و در جهت رضایت و تقرب به خداوند باشد ، نوعی عبادت و بندگی محسوب می شود. اعتقاد به وحدانیت خداوند و نفی هرگونه شرک موجب تقرب روح به خداوند است. به خاطر همین پیوستگی هاست که مسجد- محل سجده در برابر خدا- محراب خواهد داشت و فرد با سجده در برابر عظمت الهی ، به جنگ با شیاطین درونی و بیرونی می رود و مسجد ، مشهد خونین بهترین بندگان خدا می شود. در مسجد ، تمام امور عبادی ، اعم از ، تعلیم دروس قرآنی ، و سیاست گذاری ، تجهیز مجاهدان اسلام ، سازماندهی و تدارک جنگ ، قضاوت ، و... برگزار می شود. نماز که از فرایض مسلمانان

است ، به جماعت برگزار می شود. لذا مسجد به وسعت یک مکتب جامع ، رسالت جهانی می یابد و به مرتبه خانه خدا در روی زمین می رسد. «ان بیوتی فی الارض المساجد». (میزبانی، ۱۳۸۰ص ۱۶) اما نقش اساسی مسجد که همان ساختن یک انسان ایثارگر و شهادت طلب است که در طول هشت سال دفاع مقدس به خوبی دیده شده است و دشمنان به دنبال انزوا کشیدن این پایگاه بزرگ اجتماعی مسلمانان هستند . طوری که دکتر حیدر علی کرمن ، استاد اعظم فراماسونری در نشریه داخلی «محفصل وحدت» ، به اهمیت مسجد و این سدّی که در برابر توطئه های آن هاست ، اشاره می کند: «صدای اذان که از ردیف مسجد بلند می شود مگر غیر از صدای الصلوه است که می گوید من زنده ام و نمرده ام و نخواهم مرد ؛ این بانگ تخدیر کننده ی افکار و اذهان روشنفکران ، برای ما به منزله فریادی است که روشننگری ما را به یاد آوری و اخطار می کند.» (مبانی فراماسونری، ۱۳۷۶ص ۱۹۶)

۳-۲-۴- زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورا :

مهم ترین عامل در اشاعه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت ، توجّه به اعتقادات مردم و پروراندن باورهای دینی در آن هاست . ارکان اصلی دین ما توحید و معاد می باشد و نبوت نیز برای نشان دادن راه تربیت آدمی برای شناخت خدا و رسیدن به مقصد و معاد است . روز عاشورا ، روز حماسه ، شجاعت ، دلاوری ، ابتلا و آزمایش بزرگ الهی ، روز فداکاری و عزّت است. از آن جایی که امام حسین ۷در قیام عاشورا توانست فرهنگ ایثار و شهادت طلبی را زنده کند و رنگ جاودانه زند که تا قیامت ، هر آزادی خواهی با یاد حماسه عاشورا در خط خون و قیام و عزّت و اقتدار فریاد می زند:

الْمَوْتُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ

مرگ، بهتر از پذیرفتن ننگ است و شکست ظاهری، بهتر از ورود در آتش است. این فرهنگ نقش به سزایی بر روی جوانان ما دارد. چرا که منطق امام ۷ زنده ماندن شریعت الهی است. ارزش و اعتبار و عظمت شخصیت امام حسین ۷ و نهضت آن بزرگوار، امروزه همه را تحت تأثیر قرار داده، به طوری که بیشتر توجه‌ها و اندیشه‌های حق‌طلبان و آزادی‌خواهان را از هر مسلک و عقیده‌ای به خود معطوف کرده تا آنجا که مهاتما گاندی از رهبران آزاد اندیش جهان در خصوص اهداف خود برای پیروزی کشور هندوستان می‌گوید: «من زندگی امام حسین ۷ آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین ۷ پیروی کند» (هاشمی نژاد، ۱۳۸۶: ۳۸۲) هم چنین «اقبال لاهوری» استقلال و نجات پاکستان را مرهون قیام عاشورا دانسته است و در این باره چنین سروده است:

ز آتش او شعله‌ها افروختیم	رمز قرآن از حسین آموختیم
موج خون او چمن ایجاد کرد	تا قیامت قطع استبداد کرد
ملت خوابیده را بیدار کرد	خون او تفسیر این اسرار کرد

(بهشتی، ۱۳۸۲ ص ۳۳)

علائلی از اندیشمندان اهل تسنن در خصوص امتیازات تشیع نسبت به تسنن می‌گوید: شیعه هر سال خاطره‌ی عاشورا را به منظوره‌ای تربیتی و دینی تجدید می‌کند و این زنده‌یادی است بسیار مهم و سازنده که با نمایش جانبازی‌های دل‌آوران کربلا، روح شهامت و فداکاری به انسان‌ها می‌دهد و آن‌ها را بر ضد قدرت‌های ستمگر بسیج می‌کند، از این رو ما معتقدیم که فقط با آموزش و پیگیری نهضت حسین ۷ است که می‌توانیم در راه

مبارزه با استعمارگران غرب و شرق و حکومت‌های دست‌نشانده آنان موفّق گردیم (فرحی، ۱۳۸۶ ص ۵۳۱)

۴- عوامل انحطاط

به طور کلی هر زمینه و پدیده‌ای که بستر خود محوری و خودخواهی را گسترش دهد و توجه به فردیت انسان را گسترش دهد، در نقطه مقابل با فرهنگ ایثار و شهادت است.

۴-۱- عدم ایمان به خدا

یکی از موانع ایثار، نداشتن ایمان به خدا است. کسی که به جهان بینی مادی اعتقاد دارد و زندگی را فقط در همین دنیا می‌داند، ایدئولوژی و رفتار خاصّ مطابق با جهان بینی بر می‌گزیند. بدیهی است که جهان بینی مادی، درس ایثار و از خود گذشتگی به انسان نداده و ایثار را مساوی با جنون و دیوانگی و انتحار می‌داند. قرآن دقیقاً موضوع را بیان کرده است و ایمان نداشتن به خدا و عدم درک زندگی اخروی را سبب فرار از جبهه و جنگ و سستی در مقاومت و پایداری می‌داند و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ» (ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند!). (انفال/۶۵)

در جنگ، جنگ جویان و رزمندگان هر اندازه آمادگی داشته باشند باز قبل از شروع به جنگ باید آن‌ها را از نظر روحی تقویت کرد، و این در برنامه تمام ارتش‌های آگاه

جهان گنج‌نیده شده است که فرماندهان و افسران سپاه قبل از حرکت به سوی میدان جنگ و یا در میدان قبل از آغاز حمله با ذکر مطالب مناسبی روحیه جنگی آنان را تقویت می‌کنند و از خطر شکست بر حذر می‌دارند. منتها دامنه این تشویق و تحریض در مکتب‌های مادی و مشابه آن محدود است، ولی در مکتب‌های آسمانی بسیار گسترده‌تر است، توجّه به فرمان پروردگار، و تأثیر ایمان به خدا، و یادآوری مقام شهدای راه حق، فضیلت و پاداش‌های بی‌حسابی که در انتظار آنهاست و افتخارها و مواهب معنوی که در پیروزی بر دشمن در صحنه جهاد وجود دارد، بهترین وسیله برای تشویق و تحریک روح سلحشوری و استقامت و پایمردی در سربازان می‌باشد، در جنگ‌های اسلامی گاهی تلاوت چند آیه از قرآن مجید آن چنان سربازان مجاهد را آماده می‌ساخت که سر از پا نمی‌شناختند و یکپارچه عشق و شور و هیجان می‌شدند. پس معلوم می‌شود بی‌ایمانی به خدا، روحیه‌ی ایثار را در انسان سست می‌کند و بر عکس ایمان به خدا، این روحیه را در انسان پرورش می‌دهد و برای همین است که نخست، دعوت به توحید و ایمان به آخرت سر لوحه‌ی دعوت انبیای الهی قرار می‌گیرد.

۴-۲- تحریف واقعت‌ها و ارزش‌ها: تحریف، کنشی ارادی و آگاهانه برای منحرف کردن و کج کردن یک چیز از مسیر و مجرای اصلی آن است. خداوند می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ» (بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند (و ایمان قلبیشان بسیار ضعیف است) همین که (دنیا به آنها رو کند و نفع و) خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می‌شوند (و به کفر رو می‌آورند) «حج/۱۱»

زمخشری در تفسیر این آیه می‌گوید: «یعنی اینان خود را در گناه دین جای دهند نه در وسط و قلب آن؛ و این مثل است که بازگو می‌کند اینان در دینشان همواره با نگرانی و

اضطراب به سر می برند نه در سکون و آرامش؛ مثل کسی که در کناره لشکر جای می‌گزیند تا اگر بوی پیروزی و غنیمت به مشامش خورد آرام گیرد و سکون یابد و در غیر این صورت بگریزد.» (زمخشری، ۱۹۷۴، ج ۳: ۱۴۶)

حادثه کربلا که نقطه اوج ایثار و شهادت است و برای مردم یک حادثه‌ی بزرگ اجتماعی است این حادثه در تربیت ما، در خلق و خوی ما اثر دارد، حادثه‌ی ای است خود به خود، بدون این که هیچ قدرتی مردم ما را مجبور کرده باشد، لحظات بی‌شماری برای شنیدن و استماع قضایای مربوط به آن صرف می‌کنیم. اما در نقل و بازگو کردن حادثه عاشورا ما هزاران تحریف وارد کرده ایم و این تحریف‌ها در جهت پایین آوردن و مسخ کردن قضیه بوده است. از تحریفات لفظی می‌توان به حادثه کربلا اشاره نمود که لیلا در کاروان اهل بیت امام حسین حضور داشت و یا عروسی قاسم بن الحسن و کشته شدن هزاران نفر توسط حضرت ابولفضل و امام حسین و از تحریفات معنوی آن به این صورت است که این حادثه یک حادثه استثنایی بود که امام حسین ۷ فدای گناهان امت شد و قیام او کفاره‌ی عمل بد دیگران قلمداد کردند تا گناه کاران از عذاب بیمه شوند (شبییه فلسفه‌ای که مسیحیان در خصوص مصلوب شدن حضرت عیسی ۷ به آن اعتقاد دارند) (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱ ص ۶۸)

۴-۳- عَجَب

یکی از عوامل مهم انحطاط فرهنگ ایثار و شهادت، عجب است که آثار منفی زیادی در پی دارد. عجب، یکی از رذایل اخلاقی است که انسان در خویش حالت بزرگی احساس می‌کند. در آیات و روایات آمده که هرگاه انسان از خودش خشنود گردد یا از عملش شادمان گردد یا به نعمت‌های وجودی و کمالات نفسانی‌اش بنازد و ببالد، به دام عجب گرفتار آمده است. حضرت علی ۷ در نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر چنین

فرمود: «إِيَّاكَ وَالْأَعْجَابَ بِنَفْسِكَ وَالثَّقَةَ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا وَحُبَّ الْإِطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرُصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) (زنهار از خودپسندی و زنهار از تکیه کردن به آن چه که تو را به خودپسندی می کشاند و زنهار از شیفتگی به مدح و ستایش زیرا این ها از مناسب ترین فرصت های شیطان است تا نیکی نیکوکاران را بر باد دهد). خداوند در قرآن خودستایی را مذموم دانسته و آیاتی که در آن ها به تعبیر «كُلُّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» اشاره شده است نیز در بردارنده ی مفهوم نکوهش و خودپسندی و خودستایی می باشند. دامنه ی عُجْب گسترده است و افکار و گفتار و کردار شخص را در بر می گیرد. عُجْب، ریشه و منشاء و اسبابی دارد که عبارتند از: (عدم شناخت خویش و جهل، عبادات، اعمال نیکو و صالح، علم و دانایی، قدرت و زیبایی و...)

۴-۴- تکبر

یکی دیگر از رذایل و ضد ارزش های اخلاقی کبر است و آن حالتی است از حالات نفسانی که انسان احساس ترفیع و بزرگی، راحتی و تکیه و اعتماد بر خود می کند. خود را برتر از دیگران می پندارد و دیگران را کوچک. امام صادق ۷ فرمود: «الْكِبْرُ أَنْ تَعْمِصَ النَّاسَ وَ تُسَفَّهُ الْحَقَّ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۱۵) (کبر آن است که مردم را کوچک شمرده [و تحقیر کنی] و حق را نادیده بگیری [و مورد توجه قرار ندهی و یا آن را سفاهت و جهل تلقی کنی]). این بیماری بر اثر خود بزرگ بینی و نیز به علت ضعف نفس و احساس حقارت در آدمی ایجاد می شود. هم چنان که امام صادق ۷ می فرمایند: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَتِيَهُ إِلَّا مِنْ ذَلِكَ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ» (هیچ کس تکبر نمی ورزد مگر به خاطر ذلتی که در خود می بیند). (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۰، ص ۲۲۵) لذا از کبر به عنوان بزرگ ترین خصلت رذیله و خبیثه نام می برند که از جمله بیماری های بسیار خطرناک روحی به شمار می رود و

اگر درمان نشود، منشاء پیدایش گناهان بزرگ‌تر دیگر خواهد شد که دنیا و آخرت انسان را به نابودی خواهد کشاند.

کبر دارای سه مرتبه است: تکبر بر خدای متعال و اوامر الهی، تکبر بر پیامبران و امامان، تکبر بر مردم

۴-۵- حس اسطوره سازی و قهرمان سازی خیالی (غلو)

«غُلُو» بر وزن فعول، مصدر فعل «غلی یغلو» و به معنای افراط، ارتفاع، بالارفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیز می باشد. لذا وقتی قیمت چیزی از حد معمول خود بالاتر می رود، به آن «غال»، به معنای (گران) می گویند. چنان که درباره ی مایعات هر گاه به جوشش آیند و در حد خود ننگنجد، می گویند: غلیان کرده است. بنابراین، هرگاه این کلمه در مورد معتقدات دینی و مذهبی به کار رود، به این معناست که انسان چیزی را که به آن اعتقاد دارد، از حد خود بسیار فراتر برده است.

خدا در قرآن درباره ی مسیحیان که پیامبر خود، حضرت عیسی ۷ را از حد فراتر برده، او را پسر خدا دانستند و قائل به خدایان سه گانه؛ یعنی پدر، پسر و روح القدس شدند فرمود: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَاهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا» نساء/۱۷۱

پیامبر ۶ درباره پرهیز از غلو در دین می فرمایند: «إياكم والغلو في الدين، فانما هلك من كان قبلکم بالغلو في الدين.» (پرهیزید از غلو - زیاده روی - در دین خود؛ زیرا آنان که قبل از شما بودند به علت غلو در دین خود، نابود شدند.) (حنبل، بی تا، ج ۱ ص ۲۱۵)

یکی از احساساتی که در انسان هست ، عشق و دوست داشتن شدید فرد یا جمع بدون آرایش و بی نظر نفع پرستی .انسان به عشقی مطلق ، پاک و مقدس نیاز دارد ، اما وقتی که می بیند همه ی عشق ها ، آلودگی ، هوس و خودخواهی دارند ، نیاز او برآورده نمی شود . می بیند که آن طور که می خواهد نیست ، پس چه باید بکند ؟رب النوع عشق می سازد ، یک احساس ، یک فکر ، شخصیت و تجسم خارجی پیدا می کند ، می شود یک بت ، یک رب النوع و یک شبه خیالی . انسان احتیاج دارد که در طول تاریخ جامعه انسانی ، کسی را ببیند که در حد اعلی و مطلق ، فداکاری دارد ، یعنی ، وقتی پای نفع دیگران می رسد و عشق و محبت و دوستی به جامعه و مردم و خودش و انسانیت مطرح می شود ، دیگر خودش نباشد همه ی منافع و مصالح خود را زیر پا بگذارد و خودش را به سادگی فدای دیگران کند، می بیند کسی نیست اساطیر می سازد.اساطیر عبارت است از تاریخ ، آن چنان که باید باشد ، اما نیست .اساطیر ، مجموعه ای است از نمونه های عالی احساس و تقدس.نمونه های عالی هر زیبایی اعم از مادی و معنوی در هر سرزمینی وجود دارد.در هر یک از فرهنگ ها و مذهب ها ، نمونه ی انسانهایی که منبع خیر و برکت و محبت و عشق به دیگران هستند ، ساخته می شود.انسان همواره برای جبران کمبودی که در این عالم احساس کرده دست به ساختن ، خلق ، و دست به آفرینش زده ، اساطیری ساخته و با آنها تلخی زیستن در این عالم تنگ و عبث را در خود تخفیف داده است.

اصولاً انسان برای زیستنش نیاز به پرستش نمونه اعلی و متعالی و مطلق و پاک دارد ولو واقعیت هم نداشته باشد. اما نمونه های خیالی و اسطوره های تاریخی.آنها که در حد اعلای انسانیت ، تقدس و زیبایی هستند ، همواره موجب اصلاح و تلطیف روح می شوند.امروزه با فیلم ،رمان و تئاتر اسطوره را به تصویر و قلم می کشند.اگر فرهنگ و قهرمانان ایثار و شهادت از قابلیت تبعیت و الگو دهی خارج شوند(هر چند بسیار مقدس

متعالی)، دیگر کاربردی برای تشنگان حقیقت نخواهند داشت. در بعضی از فیلم‌ها و یا داستان‌هایی که درباره‌ی دفاع مقدس ساخته می‌شود، این قضیه کاملاً به چشم می‌خورد که یکی دو نفر از رزمندگان با ده‌ها و بلکه صدها نفر از بعثیان درگیر می‌شوند و بدون کوچکترین آسیبی، همه‌ی آن‌ها را از بین می‌برند! این صحنه هر چند جالب، مهیج و جذاب است، به سبب غیر واقعی بودن ممکن است ما را دچار اشتباه خود بزرگ بینی و دلزدگی کند تا آن‌جا که کلیه‌ی رشادت‌ها و ایثارگری‌های واقعی آن عزیزان ممکن است زیر پرده‌ی ابهام قرار گیرد و در نهایت اعتماد ما را از آن‌ها سلب نماید. (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۵۸)

حاصل سخن آن که: مهم‌ترین عوامل انحطاط فرهنگ ایثار و شهادت، آسیب‌های اعتقادی و فرهنگی و اقتصادی است. دنیا محوری و بی‌ایمانی به خدا و آخرت موجب تزلزل پایه‌های ایثار می‌شود. بنابراین وظیفه‌ی همگان است، تا با تأسی از اولیای الهی بنیان‌های ایمان به خدا و روز قیامت را در وجود خود مستحکم تر نمایند. با توجه به این که در ملل دیگر برای ایثارگران و قربانیان جنگی و بازماندگان آنان ارزش خاصی قایل هستند در کشور ما نیز لازم است تا به امور ایثارگران توجه منطقی صورت پذیرد البته ضروری است مروّجان فرهنگ ایثار و شهادت خود مرد عمل باشند و از غلو پرهیزند، که پیامدهای سویی به دنبال خواهد داشت. و نیز به روز کردن برنامه‌های فرهنگی مراکز علمی و دینی برای آشنایی هر چه بیشتر نسل سوم انقلاب با فرهنگ ایثار و شهادت از اموری است که باید سرلوحه موضوعات فرهنگی جامعه قرار گیرد.

منابع

- قرآن مجید (ترجمه محمد مهدی فولادوند).
- نهج البلاغه، ترجمه ی محمد دشتی، ۱۳۸۱ش، انتشارات لاهیجی، قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چاپ سوم، دارالصادر، بیروت.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- انوری، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ بزرگ سخن، نشر سخن، تهران.
- باقری، خسرو، ۱۳۶۸، نگاهی دو باره به تربیت اسلامی، دفتر امور کمک آموزشی و کتاب خانه ها، تهران.
- بهشتی، ابولفضل، ۱۳۸۲، فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، بوستان کتاب، قم.
- پهلوان، محمدرضا، ۱۳۸۷، موزه های استان خراسان رضوی، مشهد.
- تبریزی، محمد حسین بن خلف، ۱۳۶۲، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران.

- الحسينى الزبيدى، سيد محمد مرتضى، ۱۳۸۵، تاج العروس، داراحياء التراث العربى، بيروت.
- حنبل، احمد، بى تا، مسند، دارالفكر، بيروت.
- خمينى، روح الله، ۱۳۶۸، تحرير الوسيله، مترجم على اسلامى، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى.
- دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷، مجموعه مقالات همایش ملی ترويج فرهنگ ايتار و شهادت، «آسيب شناسى ترويج فرهنگ ايتار و شهادت، فريباحمدى» انتشارات دانشگاه.
- دانشگاه مازندران، ۱۳۸۶، مجموعه مقالات همایش ملی ايتار و شهادت «آسيب ها و عوامل ترويج فرهنگ ايتار و شهادت در اسلام، سيد على اكبر ربيع نتاج»، انتشارات دانشگاه.
- دشتى، محمود، ۱۳۷۶، انگيزه هاى قيام عاشورا، موسسه تحقيقاتى اميرالمؤمنين، قم.
- دهخدا، على اكبر، ۱۳۵۲، لغت نامه، زير نظر محمد حسين معين وجعفر شهيدى، انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد، ۱۳۷۵ش، مفردات فى غريب القرآن، ترجمه خسروى حسينى، انتشارات مرتضوى، تهران، چاپ سوم.
- زمخشرى، جارالله، ۱۹۷۴، الكشاف، دارالكتاب العربى، بيروت.
- سيوطى، جلال الدين، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فى تفسير المأثور، انتشارات كتاب خانه آيت الله مرعشى نجفى، قم.

- صفری فروشانی ، نعمت الله ، ۱۳۷۸ ، غالیان ؛ کاوشی در جریان ها و برآیندها، آستان قدس رضوی ، مشهد.
- صفوی ، امان الله ، ۱۳۷۰، «کلیات روش ها و فنون تدریس» نشر معاصر ، تهران.
- طریحی ، فخرالدین ، ۱۳۶۷، مجمع البحرين ، انتشارات الثقافیه الاسلامیه، بی جا.
- فارسی، جلال الدین، ۱۳۷۴، فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی ، بنیاد فرهنگی امام رضا مشهد، چاپ اول.
- فرحی ، سید علی ، ۱۳۸۶، بررسی و تحقیق پیرامون نهضت حسینی ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ، چاپ پنجم.
- کاشانی، ملّا فتح الله ، ۱۳۳۶ش، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، انتشارات کتاب فروشی محمدحسن علمی، تهران.
- کرمانی ، طوبی ، ۱۳۸۱، شهید و شهادت ، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر .
- کلینی ، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ش، الکافی، دار الکتب الإسلامیه تهران.
- مبانی فراماسونری ، گروه تحقیقات علمی ، ۱۳۷۶ ، ترجمه جعفر سعیدی ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، تهران.
- مجلسی، محمد تقی ، بحار الانوار ، ۱۴۰۴ ق ، موسسه صفا ، بیروت .
- مشیری ، فرشید ، ۱۳۶۹، فرهنگ زبان فارسی (القیایی ، قیاسی)، انتشارات سروش ، تهران.
- مصطفوی ، حسن ، ۱۳۶۰ش ، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. مطهری ، مرتضی ، ۱۳۸۰ ، حماسه حسینی ، انتشارات صدرا ، تهران ، چاپ سی و ششم.

- میزبانی، مهناز و همکاران، ۱۳۸۰، نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی.

- هاشمی نژاد، عبدالکریم، ۱۳۸۶، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، نشر شاهد، چاپ پنجم.